

ماهیت جرم‌شناختی رفتارهای منتهی به مخاطرات در مکتب نوظهور

زمیولوژی



محمدابراهیم شمس ناتری (shams_m_e@yahoo.com)

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

بهمن شهریاری*

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۵)

چکیده

در ادامه مکاتب جرم‌شناسی و به‌طور خاص جرم‌شناسی رادیکال، زمیولوژی را می‌توان مکتبی معرفی کرد که در سده بیست‌ویکم تلاش دارد ریشه بسیاری از نارسایی‌های حقوق کیفری و عدم توفیق جرم‌شناسی در مهار و کنترل جرم را محدود و مضیق بودن انگاره جرم معرفی کند و توجه به آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی گسترده و رفتارهای منتهی به آن را جایگزین توجه صرف به جرم کند. رفتارهای منتهی به مخاطرات را می‌توان در دایره‌ای وسیع از رفتارها که به‌شکل کلان و جدی منشأ بروز پاره‌ای مشکلات و معضلات در سطح گسترده می‌شود و در بسیاری موارد صدمات بسیار سنگین‌تری از جرایم متعارف باقی می‌گذارند جست‌وجو کرد. نخستین قدم در این راه، بیان تعریفی جامع و کامل از رفتارهای پیش‌گفته است که راه را بر شناخت ماهیت رفتارهایی که قابلیت ورود به این دایره را دارند می‌گشاید. همه این موارد، زمینه‌ساز شناخت یکی از ارکان کلاسیک جرم، یعنی رکن مادی جرم در رابطه با رفتارهایی است که بدانها پرداخته می‌شود. این رفتارها افعال و ترک افعال بسیار متنوع و مختلفی را در بر می‌گیرد که پنهانی بودن رفتار، نامحسوس بودن آسیب در ابتدا و گوناگونی آسیب در کنار بحث از وجود فاصله زمانی میان وقوع رفتار و بروز آسیب، از اوصاف مهم این رفتارها به‌شمار می‌آید. در خصوص مرتکبان این رفتارها باید متذکر شد که از حیث ماهیت شخصیت اشخاص، این رفتارها نوعاً از ناحیه اشخاص حقوقی، چه از نوع حقوق عمومی و چه از نوع حقوق خصوصی، به علل مختلف و با اهداف گاه مشابه و گاه متفاوت قابلیت بروز دارند، اما برعکس، در میان قربانیان، ممکن است هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی از متضرران این رفتارها قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: رفتار، زمیولوژی، ماهیت جرم‌شناختی، مخاطرات گسترده.

* نویسنده مسئول

مقدمه

رفتارهایی که به صورت کلاسیک مورد توجه حقوق کیفری بوده است، بیشتر رفتارهای ارتكابی از سوی اشخاص حقیقی بوده که در آنها رکن روانی جرم به صورت محسوس قابل تشخیص و تبیین است؛ اما نباید از این مهم غافل شد که برخی از رفتارهای ارتكابی از جانب اشخاص حقوقی در کنار برخی رفتارهای اشخاص حقیقی خاص، چنان صدمات و آسیب‌های جدی بر عناصر مختلف نظم عمومی و زندگی اجتماعی اشخاص حقیقی و حقوقی بر جای می‌گذارد که این امر مقتضی توجه بیشتر حقوق کیفری به این رفتارهاست. اما قرار دادن موضوعات این رفتارها در دایره حقوق کیفری، مستلزم شناسایی ماهیت این رفتارها از وجوه مختلف، به‌ویژه از جنبه جرم‌شناختی است. از این حیث مسئله‌ای که این پژوهش درصدد بیان آن است، بررسی و تأمل در ماهیت جرم‌شناختی این رفتارهاست؛ رفتارهایی که به واسطه آسیب‌ها و مخاطرات گسترده‌ای که در پی دارد و به صورت اجتماعی و جمعی و نه انفرادی و موردی وارد می‌آید، تحت عنوان رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده اجتماعی بیان می‌شود. ضرورت اجرای این پژوهش از آن حیث است که رفتارهای مورد اشاره، ریشه و منشأ بسیاری از آسیب‌های جدی و گسترده است، اما توسط حقوق کیفری کمتر شناسایی و لحاظ شده و اقدامات مرتکبان این رفتارها به ندرت با ضمانت اجرای کیفری پاسخ گفته شده است. هدف این تحقیق آن است که مشخص کند رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده اجتماعی، در چه اوصاف و ویژگی‌هایی از سایر رفتارها و دیگر جرایم تمییزپذیر است.

نوع و روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث ماهیت و روش در دسته تحقیقات علمی توصیفی قرار دارد و از نظر شیوه نگارش و پرداختن به مسئله تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. با این توضیح که علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین و مطالعه چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. موضوع پژوهش، پاسخ به چستی و چگونگی رفتارهای منتهی به مخاطرات، از حیث جرم‌شناختی، در مکتب نوپدید زیملوژی است که در واقع ماهیت و ویژگی‌شناسی پدیده، منظور محققان است. ادراکی بودن، بسیط بودن، شفاف و نو بودن و مرتبط بودن با رشته تخصصی محققان از ویژگی‌های کلی موضوع تحقیق است. در توضیح و بیانی مختصر از مسئله باید خاطر نشان ساخت که بسیاری از رفتارها که اغلب از جانب اشخاص حقوقی رخ می‌دهد منشأ بروز دسته‌ای عظیم از مخاطرات است که آثار سوء فراوانی بر وجوه مختلف ارزش‌ها و حقوق اشخاص بر جای گذاشته‌اند، اما با این حال فاقد وصف مجرمانه و

ضمانت اجرای کیفی‌اند. تحقیق پیش‌رو درصدد شناخت ماهیت و ویژگی این رفتارها با نگرشی بر موضوعات مطرح‌شده در مکتب زمیولوژی است. فرضیه‌های این پژوهش بر این قرار استوار است که این رفتارها ماهیت بسیار گوناگونی داشته و به اشکال مختلف، قابلیت ایجاد مخاطرات را دارند؛ ضمن اینکه از لحاظ ویژگی، اوصاف خاصی دارند که آنها را از سایر رفتارهای مجرمانه متمایز می‌کند. پنهانی بودن رفتار و نامحسوس بودن آسیب در بدو امر، در کنار فاصله زمانی میان وقوع رفتار و بروز مخاطره و همچنین عدم ایجاد احساس ترس و نگرانی در میان قربانیان از اهم اوصاف این رفتارهاست. برای دستیابی به منابع تحقیق، از فهرست مقالات و مجموعه مقالات، کتابخانه و سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات در دو فضای واقعی و مجازی و به روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی، و روش استفاده‌شده در سیستم میدانی، از نوع مشاهده بوده است. ابزار گردآوری اطلاعات در روش کتابخانه‌ای، فیش و فایل رایانه‌ای و در روش مشاهده میدانی، از نوع محقق‌ساخته بوده است. شایان ذکر است روش‌های مشاهده به‌کار گرفته‌شده از نوع مشارکتی، فردی، کنترل‌نشده و علنی، و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده، روش کیفی است.

زمیولوژی

زمیولوژی را می‌توان ادامه و به‌عبارت دیگر، نسخه قرن بیست و یکمی جرم‌شناسی رادیکال دانست و از آنجا که بنیانگذاران آن به مطالعه همه آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی که جرم تنها یکی از مصادیق آنهاست باور دارند، بر تغییر عنوان مضیق criminology به‌عنوان موسع zemiology عقیده داشتند [۱۹] و از آن حیث که جرم یک مفهوم محدود و مضیق است، بسیاری از رفتارهای منتهی به آسیب و مخاطرات وصف مجرمانه نداشته یا در طبقه‌بندی جرایم مهم جای ندارند. از این‌روی، جرم‌شناسی نیز با توجه به عنوان و رسالت خود نمی‌تواند به مطالعه و تدقیق در مخاطرات و آسیب‌های اجتماعی بپردازد [۲۱].

تعریف رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده اجتماعی

رفتارهای منتهی به آسیب‌ها و مخاطرات گسترده اجتماعی عبارتی است برای توضیح و تبیین پاره‌ای از اقدامات که به طرق مختلف اکثراً و غالباً توسط اشخاص حقوقی در سطح اجتماع بر عناصر مختلف زندگی فردی یا اجتماعی اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) آثار سوء و گاه جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد. در مفهوم‌شناسی حقوقی این رفتارها باید خاطر نشان ساخت که این رفتارها هم به‌صورت فعل و هم به‌صورت ترک فعل قابلیت وقوع دارند.

فعل^۱

در ادبیات حقوقی، رفتار مجرمانه دارای صور مختلفی است. نوع اول رفتارها که بخش بزرگی از آنها را تشکیل می‌دهد، فعل است. فعل یا رفتار مجرمانه مثبت [۲۳] از نگاه حقوقی، به معنای انجام دادن کاری است که قانونگذار آن را منع کرده است؛ بدین معنا که در هر جامعه‌ای، بعضی از امور و ارزش‌ها، از اهمیت خاصی برخوردار است و قانونگذار تجاوز به این حریم را با قید مجازات و در متون حقوق کیفری ممنوع کرده است. حال اگر کسی این دستور را رعایت نکرد و با اعمال و اقدامات خود به جان و مال و سایر حقوق دیگران و همچنین ارزش‌ها و بایسته‌های زندگی مسالمت‌آمیز صدمه وارد کرد، مرتکب جرم شده است. این قبیل جرایم که به صورت عمل مثبت یا فعل انجام می‌گیرد، جرایم ناشی از فعل نام دارد. بسیاری از جرایم ناشی از فعل هستند و با انجام دادن اقداماتی که ممنوع شده‌اند واقع می‌شوند؛ ضرب و جرح - موضوع ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ - سرقت - موضوع ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی - نشر اکاذیب - بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات و ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ - و بسیاری دیگر از جرایم از مصادیق این نوع رفتارها به‌شمار می‌آیند. در این موارد، چون جرم به‌واسطه اقدام به امر ممنوع، تحقق یافته است، جرم ناشی از فعل نامیده می‌شود [۶]. پس ارتکاب جرم اغلب مستلزم جنبش و حرکتی از طرف فاعل است که آن را فعل می‌گویند [۱].

ترک فعل^۲

اکثر جرایم از نوع اول است، اما برخی از جرایم با عدم انجام کاری که قانون بر عهده فرد گذاشته است، ارتکاب می‌یابند. به‌عنوان نمونه، ترک انفاق - موضوع ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ -، گزارش نکردن جرایم مالی توسط رؤسا، مدیران یا مسئولان - موضوع ماده ۶۰۶ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ -، عدم ذکر تمام واقع توسط کارشناس - موضوع ماده ۲۸ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ -، همه از مواردی است که به‌عنوان ترک فعل یا رفتار مجرمانه منفی شناخته شده و جرم‌انگاری شده‌اند [۱۸]. شایان یادآوری است در مطالعه این مخاطرات، خروج از نگاهی قانونی نسبت به جرم و خسارت و خارج ساختن رفتارهای منتهی به آسیب از قالب‌ها و چارچوب‌های تعریف‌شده برای جرایم، مد نظر است. از این رو باید اذعان داشت که شاخصه بارز مطالعه آسیب‌ها و مخاطرات گسترده اجتماعی،

1. Action

2. Commission by omission

مطالعه و توجه به مفهوم جرم و خسارت و بایسته‌های هریک از این دو، خارج از رویکرد قانونی به آنهاست [۱۴].

ماهیت رفتارها از حیث چگونگی وقوع

همان‌طور که پیشتر متذکر شدیم، آنچه زمینه‌ساز مخاطرات جدی و اساسی است، هم افعال و هم ترک افعال است. یکی از موضوعاتی که صدمات و لطمات بسیاری به‌بار می‌آورد، بلایای طبیعی است. آنچه سبب می‌شود این حوادث در ارتباط با موضوع بحث قرار گیرد، انجام ندادن اقدامات پیشگیرانه لازم، قبل از وقوع حادثه و انجام ندادن وظایف مرتبط با امداد و کمک در جهت کاهش صدمات، پس از وقوع حادثه است. به‌عنوان نمونه، در حادثه توفان و سیلی که در تهران رخ داد، می‌توان به وضوح نقش برخی از نهادهای مسئول را که به‌واسطه فعل و ترک فعل، زمینه‌ساز بروز یا افزایش صدمات شدند ملاحظه کرد؛ در ۲۸ تیر ۱۳۹۴ در حادثه سیل و توفانی که در استان تهران و برخی مناطق اطراف رخ داد، مجموعه‌ای از علل و عوامل دست‌به‌دست هم داد تا شدت آسیب به‌مراتب بیشتر شود. نخست اینکه در این حادثه به‌وضوح نقش سازمان هواشناسی در عدم اعلام این حادثه و اعلان هشدار در زمینه بروز چنین حادثه‌ای به‌چشم می‌خورد. زمان وقوع این حادثه، نه‌تنها مردم عادی، بلکه پلیس، اورژانس، سازمان هلال احمر و سایر نهادهای مرتبط از وقوع سیل و توفان بی‌خبر بودند. در اینجا انجام ندادن صحیح وظیفه از سوی سازمان هواشناسی ترک فعل محسوب می‌شود. به‌علاوه پس از وقوع حادثه از آنجا که پلیس راهنمایی و رانندگی در جریان پیشامد نبود و جاده را برای برگشت مسافران یکطرفه کرده بود، نیروهای امدادی مجبور شدند خلاف جهت حرکت خودروها و از مسافتی دور به‌سمت محل حادثه حرکت کنند. این امر نشان از آن دارد که نیروهای امدادرسان در طول جاده حضور نداشتند. این عمل نیز در قالب ترک فعل قابلیت بررسی دارد. علاوه بر این مشخص شد که خودروهای ستاد بحران نیز که باید برای امدادسانی حاضر می‌شدند، در اختیار استاندار و فرماندار قرار گرفته بودند و اورژانس کشور هم محل برخاستن و نشستن هلی‌کوپتر را به‌عنوان پارکینگ اجاره داده بود! [۲۷]. از آن جهت که مسئولان ذی‌مدخل، مجاز به چنین کاری نبوده‌اند، اقدام آنها در قالب فعل حقوقی قابل تدقیق است. از این‌رو بررسی این حادثه، مجموعه‌ای از رفتارها را در قالب فعل و ترک فعل، از سوی اشخاص حقوقی متولی، نمایان می‌سازد.

دشواری شناسایی مسئولیت کیفری با توجه به ماهیت رفتارها و مرتکبان آنها

یکی از خصیصه‌های بارز رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده، ارتکاب این رفتارها غالباً و اکثراً از جانب اشخاص حقوقی است. شخصیت، خصیصه و شایستگی‌ای است که موجبات تمتع

از حقوق و عهده‌دار شدن تکالیف را فراهم می‌سازد. حال اگر این قابلیت، ذاتی شخص باشد، شخصیت حقیقی و دارنده آن را شخص حقیقی و در صورتی که حالت موصوف، عارضی باشد، چندان که قابلیت سلب و انفکاک از آن موجود را داشته باشد، شخصیت حقوقی و دارنده آن را شخص حقوقی می‌نامند. تنها مصداق شخصیت نخست، انسان؛ و از جمله مصادیق شخص دوم شرکت‌ها، دولت و مؤسسات عمومی‌اند [۹]. چنین موجودی وهمی نیست و ریشه در واقعیت دارد؛ آنچنان واقعیتی که علاوه بر مسئولیت مدنی می‌توان بر مسئولیت کیفری آن نیز نظر داشت [۲۶].

از مهم‌ترین ایرادها در مخالفت با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، فقدان اراده در اشخاص حقوقی و در نتیجه عدم تحقق رکن مادی جرایم آنهاست. برای آنکه رفتاری به‌عنوان رکن مادی جرم مطرح باشد، باید به‌صورت ارادی تحقق یافته باشد. بنابراین در صورتی که رفتاری غیرارادی از سوی فرد انجام گیرد، رکن مادی جرم تحقق نیافته و در نتیجه جرم محقق نمی‌شود [۶]. بدیهی است که وجود این عنصر به اراده مستقل و مختاری بستگی دارد که تنها آن را در انسان عاقل و بالغ و مختار می‌توان یافت [۹]؛ از این‌رو اشخاص حقوقی چون فاقد این وصف هستند، انتساب عمل مجرمانه به آنها و در واقع تعیین مسئولیت کیفری، دشوار یا غیرممکن است. مسئولیت کیفری، اثر اسناد مادی، یعنی انتساب بعد مادی جرم به فاعل معین یا همانا رابطه سببیت^۱ میان فاعل و جرم و اثر اسناد معنوی همان انتساب جرم به اراده آزاد و آگاه است. اسناد مادی یا رابطه سببیت، امری موضوعی است و ارتباطی با وضعیت روانی فاعل ندارد؛ یعنی، صرف‌نظر از تعلق اراده فاعل به نتیجه مجرمانه، مهم آن است که نتیجه مجرمانه محصول فعل مجرمانه او باشد. اما اسناد مادی، فی‌نفسه موجد مسئولیت کیفری نیست، مگر اینکه رفتار مجرمانه از فاعلی مقصر و قابل سرزنش و واجد علم و اراده ناشی شده باشد. در این صورت است که مرتکب، قابلیت تحمل تبعات کیفری رفتار مجرمانه را پیدا می‌کند [۱۷]. همان‌طور که گفته شد، ناممکن بودن اسناد تقصیر به اشخاص حقوقی مهم‌ترین دلیل مخالفان مسئولیت کیفری آنان است. به گمان آنها، این اشخاص نه اندامی دارند تا قادر به انجام دادن رفتار مجرمانه شوند و نه علم و اراده‌ای دارند تا مقصر تلقی شوند [۲]. در مقابل، مدافعان معتقدند همان اراده‌ای که اشخاص حقوقی را برای تجارت و انعقاد قرارداد توانا و نسبت به تخلفات صورت‌گرفته و زیان‌وارده متعهد می‌سازد، آنها را قادر به ارتکاب جرم و قابل برای مسئولیت کیفری می‌نماید. پس اشخاص حقوقی مانند اشخاص حقیقی دارای اراده‌اند، با

1. Imputability

این تفاوت که اراده آنها از نوع اراده جمعی است [۸]. اشخاص حقوقی دارای اراده جمعی و مستقل‌اند که از اراده اعضای تشکیل‌دهنده آنها مجزاست. در واقع، قبول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مغزهای اداره‌کننده اشخاص حقوقی را که در رأس هرم مدیریت آنها قرار دارند، ولی اغلب، خود مباشر انجام دادن آن اعمال نیستند، به محاکم کیفری می‌کشاند و آنان را برای پاسخگویی در مقابل قاضی قرار می‌دهد [۱۲]؛ ضمن اینکه خود این اشخاص حقوقی نیز ممکن است مجازات شوند. در همین راستا می‌توان به حالت خطرناک این اشخاص نیز توجه کرد؛ زیرا اشخاص حقوقی با فعالیت‌های گسترده خود، محیط خطرناکی برای کارکنان خود و دیگران و بهداشت و سلامت جامعه و محیط زیست به وجود می‌آورند که همین امر لزوم پذیرش مسئولیت کیفری این اشخاص را سرعت می‌بخشد [۱۱] و ناگفته پیداست که این قبیل اعمال مجرمانه جدید، چه به لحاظ خطر ذاتی و چه به لحاظ فراهم کردن زمینه ارتکاب جرایم دیگر، باید از نظر جرم‌شناسی نیز بررسی شوند. [۷] وضعیتی که به‌رغم وقوع جرم، شناسایی مقصر یا مقصران آن به دلیل پیچیدگی ساختار شخص حقوقی مشکل باشد تضعیف دفاع اجتماعی را در پی خواهد داشت [۳]. برای برون‌رفت از این معضل، راهکار مقرون به صواب، تأیید ماهیت مستقل شخص حقوقی و احراز مسئولیت کیفری آن، فارغ از مسئولیت فردی است. این رویکرد سبب می‌شود در حالتی که شخص حقوقی از ساختاری غیرمتمرکز و پیچیده برخوردار است، چندان که نتوان شخصی را شناسایی کرد که واجد مسئولیت کامل باشد، قادر به گریز از مسئولیت کیفری نباشد [۵].

علت ارتکاب رفتار

اشخاص حقوقی به دو دسته خصوصی و عمومی تقسیم می‌شوند. به‌طور معمول، اشخاص حقوقی حقوق خصوصی به‌منظور تأمین منافع افراد محدود یا خاصی تشکیل می‌شوند، در حالی که اشخاص حقوقی عمومی به‌منظور حفظ و تأمین منافع عمومی و همگانی تشکیل می‌شوند [۴]. علت ارتکاب این رفتارها را می‌توان در دو گروه اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقوقی عمومی بررسی کرد.

علت ارتکاب رفتار از جانب اشخاص حقوقی عمومی

در مثالی که ذکر آن رفت و همچنین در بسیاری از مثال‌ها و مصادیقی که در ادامه خواهد آمد و در آنها ارتکاب رفتار از جانب اشخاص حقوقی عمومی صورت گرفته است، می‌توان به عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌لیاقتی در ارکان تصمیم‌گیرنده و ارکان اجرایی اشخاص یادشده اشاره کرد. عاملی که نقش مهمی در وقوع این رفتارها دارد و در کنار آن استواری پست و

جایگاه و عدم ترس و نگرانی بابت از دست دادن آن در میان اشخاص حقیقی سازنده شخص حقوقی نیز کمک می‌کند تا ارتکاب رفتار سهل‌تر شود [۲۴].

علت ارتکاب رفتار از جانب اشخاص حقوقی خصوصی

در خصوص اشخاص حقوقی خصوصی می‌توان به عدم نظارت و بازرسی درست توسط ارکان و نهادهای ذی‌ربط اشاره کرد. بسیاری از تخلفات شرکت‌ها و رفتارهای منتهی به آسیب از جانب این اشخاص، از آن جهت است که نهادهای نظارتی حکومتی، وظیفه نظارتی خود در این خصوص را به‌نحو شایسته و بایسته، انجام نمی‌دهند.

پنهانی بودن رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده اجتماعی

بسیاری از رفتارهای منتهی به آسیب‌های گسترده اجتماعی، پنهانی صورت می‌پذیرند. با این توضیح که فعل یا ترک فعلی که زمینه‌ساز آسیب می‌شود به‌صورت مخفیانه انجام می‌گیرد. مرتکبان در پناه محرمانه نگه داشتن اعمال خود رشد می‌کنند و نه تنها عملکرد غیر قانونی خود را علنی نمی‌سازند، بلکه سعی در قانونی و موجه جلوه دادن اعمال خود دارند [۷]. عاملی که در پنهانی بودن این اقدامات مؤثر است، عدم استفاده از ابزار زور و خشونت است. بدیهی است هر چه کنش و درگیری کمتر صورت پذیرد، واکنش کمتری برانگیخته می‌شود و در سایه همین امور، رفتار، بیشتر پنهان می‌ماند. علاوه بر این، باید توجه داشت که آسیب‌ها نیز اغلب واجد وصف پنهانی بودن هستند. بسیاری از این آسیب‌ها، بعد از گذشت سال‌ها بروز پیدا می‌کنند و ممکن است فاصله طولانی میان وقوع رفتار و ظهور آسیب وجود داشته باشد.

عنصر نتیجه در رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده اجتماعی

در جرم‌انگاری برخی از رفتارها، وقوع نتیجه‌ای خاص لحاظ می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در صورت عدم حصول آن نتیجه، رفتار شخص، فاقد وصف مجرمانه است. به این اعتبار جرایم را به دو قسم مطلق و مقید تقسیم کرده‌اند. جرمی که تحقق آن منوط به حصول نتیجه مجرمانه باشد، مانند خارج ساختن مال از تملک دیگری در سرقت، سلب حیات در قتل و بسیاری از جرایم دیگر، مقیدند [۱]. اگر صرف عمل مجرمانه، صرف نظر از ایجاد نتیجه مجرمانه، جرم باشد، آن را مطلق گویند [۲۰]؛ مانند جرم ارتشا-موضوع ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵- و استفاده از سند مجعول - موضوع ماده ۵۲۵ قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵- بنابراین در صورتی که وصف مجرمانه صرفاً به صورت یا ظاهر رفتار تعلق گرفته و در توصیف مجازات، اخذ نتیجه منظور نشده باشد، جرم را مطلق گوئیم [۱]. با توجه به توضیحات یادشده،

باید خاطر نشان کرد در رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده، وجود نتیجه‌ای به شکل آسیب گسترده، از بایسته‌های اساسی جرم‌انگاری محسوب می‌شود. اما سؤالی که قابلیت طرح دارد، این است که آسیب باید به صورت بالفعل واقع شده باشد یا صرف قابلیت ضرررسانی، رفتار را در این دایره قرار می‌دهد. قابلیت ورود ضرر را می‌توان عنصری دانست که در بحث جرم‌انگاری این رفتارها، باید بدان توجه کرد. با عنایت به ماهیت این رفتارها، بسیاری از آنها به صورت ابتدایی و آنی، زمینه‌ساز ورود ضرر نمی‌شوند، که برعکس، به تدریج بر جامعه و ارزش‌های آن تأثیر می‌گذارند. پس لزوماً نوع آسیب و نتیجه نباید بالفعل باشد تا موضوع، قابلیت قرارگیری در مضامین حقوق کیفری را داشته باشد، بلکه آسیب بالقوه یا همان قابلیت ورود ضرر در رفتار ارتكابی مورد نظر، کفایت می‌کند.

به طور کلی باید به این نکته توجه داشت که وصف مجرمانه در این رفتارها صرفاً و مطلقاً باید به ظاهر عمل تعلق گیرد. در واقع ضرر چه از نوع بالقوه و چه از نوع بالفعل، در بحث ضرورت و فلسفه جرم‌انگاری این رفتارها، لحاظ می‌شود و به واسطه اثبات‌شده بودن، مفروض قلمداد می‌شود و اساساً عامل اصلی گرایش به جرم‌انگاری این رفتارها، همان آسیب‌های اساسی و جدی است که اثبات‌شده بوده، مفروض انگاشته شده و مرتکب از آنها مطلع است.

نامحسوس بودن آسیب در بدو وقوع رفتار

همه جرایم در ذات خود نوعی نقض ارزش‌ها یا حقوق را نهفته دارند. آسیب و ضرر نهفته در رفتار منع‌شده در حقوق کیفری ممکن است به انحای مختلف واقع شود. گاه نتایج رفتار، به شکل آسیب و ضرری است که آشکارا خود را نمایان می‌سازد و گاه از چنین وصفی برخوردار نیست. در غالب موارد، نتایج زیانبار رفتار، در شکل و صورت اول خود را نشان می‌دهد. اما باید توجه داشت گاه اوضاع و احوال رقم‌زننده جرم، به گونه‌ای است که آسیب و ضرر به صورت محسوس و ملموس قابل رؤیت نیست. بدین توضیح که رفتار با تمامی شرایط خاص پیش‌بینی‌شده به وقوع می‌پیوندد، اما ضرر و آسیب به صورت محسوس و ملموس خود را نشان نمی‌دهد. همین موضوع یکی از دلایل بی‌اطلاعی قربانیان این رفتارها، نسبت به بزه‌دیده واقع شدن خود و همچنین کم‌توجهی یا بی‌توجهی حقوق کیفری به رفتارهای منتهی به آسیب‌های گسترده است. در اکثر رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده اجتماعی، ضرر و زیان به صورت ناملموس و غیرمحسوس بروز پیدا می‌کند [۲۵]. قربانیان ممکن است سال‌ها تحت تأثیر تبعات رفتارهایی زیانبار باشند، اما آسیب و ضرر به صورت محسوس و مشهود نمایان نشود و ایشان یا به هیچ‌وجه متوجه بزه‌دیدگی خود نشوند یا مدت‌ها پس از وقوع رفتار به آن واقف شوند [۱۶].

گوناگونی آسیب و مخاطرات

آسیب‌ها و مخاطرات ناشی از رفتارهای موضوع بحث، به اشکال مختلفی در بسترهای اجتماعی و شخصی به وجود می‌آیند. این آسیب‌ها ممکن است هر یک به نوعی، بر وجهی از زندگی اجتماعی و ارزش‌های موجود در سطح جامعه تأثیر بگذارند و به حقوق مختلفی لطمه وارد آورند [۲۳]. رفتارها، ممکن است به گونه‌ای باشد که اشخاص و ابعاد مختلف ماهیت وجودی آنها، اعم از بعد جسمانی و روانی را دچار لطمه و آسیب کند یا می‌تواند به صورت مستقیم اموال و ارزش‌های اقتصادی را هدف قرار گیرد یا بر وجوه مختلف فرهنگ یک دسته، گروه و ملت و نیز بر عناصر مختلف محیط زیست، آثار سوء باقی گذارد. آسیب‌های ناشی از نقض مقررات ایمنی و بهداشتی کارگاه‌ها، آسیب‌های ناشی از حوادث جاده‌ای و هوایی، آسیب‌های ناشی از عدم نظارت و مدیریت متولیان امر در تولید و تهیه مواد غذایی [۱۵] و بهداشتی در کنار آسیب‌های ناشی از نقض مقررات زیست‌محیطی نمونه‌ای از این رفتارهاست [۱۸]. آلودگی هوا که به واسطه برخی اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها و نظارت‌های کلان به وجود می‌آید، بی‌گمان حیات و سلامت جمعی شهروندان و ساکنان مناطق آلوده را با مشکل مواجه می‌سازد. در همین زمینه می‌توان به علت بروز، پیامدها، و آثار مخرب توفان‌های به اصطلاح ۱۲۰ روزه استان سیستان و بلوچستان و عدم برنامه‌ریزی صحیح از سوی نهادهای متولی، برای کاهش و مهار آسیب‌ها اشاره کرد یا اعمال و اقدامات شرکت‌ها و مؤسسات بیمه، که سبب مخدوش شدن امنیت روانی و اجتماعی افراد می‌شود و نیز به ثبات مالی و ارزش‌های اقتصادی و همچنین مبالغ سرمایه‌گذاری شده توسط اشخاص لطمه وارد می‌آورد اشاره کرد. در این زمینه می‌توان به ورشکستگی شرکت بیمه توسعه و عواقب آن برای بیمه‌گزاران در طول سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ اشاره کرد. همچنین ممکن است موضوع این رفتارها اموال و ارزش‌های اقتصادی شکل گرفته در اجتماع باشد و آسیب متوجه حقوق مالی شود. برای مثال اقدامات صورت گرفته در قالب شرکت‌های هرمی، به وجود آورنده آسیب‌هایی بود که اموال شهروندان را هدف قرار می‌داد. از این رو باید خاطر نشان کرد که رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده اجتماعی از چنان گوناگونی و گستره وسیعی برخوردار است [۲۵] که در مقام احصای مصادیق، امر دچار چالش جدی می‌شود و گریزی نیست جز آنکه در زمینه شناسایی مصادیق، ملاک‌ها معیارها و اصول کلی لحاظ شود و هر مصداق ضمن تطابق با مبانی کلی و شرایط عام موجود در رفتارهای موضوع بحث، شناسایی شود. به ویژه آنکه با گسترش فناوری‌ها و دگرگونی روابط، نحوه بروز آسیب‌ها و رفتارهای به وجود آورنده چالش‌های وسیع اجتماعی، دچار تغییر و تحول می‌شود [۱۰].

فاصله زمانی وقوع رفتارهای منتهی به آسیب و ظهور آسیب

در برخی از جرایم، اثر و نمود بیرونی اعمال ارتكابی بلافاصله آشکار می‌شود. از این حیث، بین عمل مجرمانه و نتیجه حاصل، فاصله زمانی چندانی وجود ندارد. اما گاه بین رفتار مرتکب به‌عنوان بخشی از رکن مادی و بروز آثار آن رفتار، فاصله زمانی وجود دارد؛ به این معنا که رفتار، بلافاصله موجب بروز آسیب نمی‌شود. در جرم قتل، هر دو وضع متصور است؛ ممکن است فرد به‌واسطه اصابت گلوله بلافاصله حیات خود را از دست بدهد یا ممکن است به‌واسطه انتقال ویروس HIV چند سال به حیات خود ادامه دهد و سرانجام به‌واسطه آثار این ویروس در بدن، حیات خود را از دست بدهد. رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده اجتماعی را می‌توان در غالب موارد، در دسته دوم قرار داد. در اکثر موارد، ماهیت رفتار و شرایط و اوضاع و احوال وقوع و همچنین شرایط قربانی و نیز متعلق جرم به‌گونه‌ای است که رفتار بلافاصله آثار و نتایج زیانبار خود را نشان نمی‌دهد. شاید همین امر، علتی بوده باشد که این رفتارها و نتایج زیانبار حاصل از آن کمتر در نظر گرفته شده باشد. مثلاً در رفتارهای علیه محیط زیست مانند ایجاد آلودگی هوا یا تخلیه زباله‌های سمی، آثار بزه‌دیدگی با تأخیر ظاهر می‌شود؛ چون افراد در معرض این جرایم، با گذشت زمان بیمار می‌شوند و آثار بزه‌دیدگی در آنها نمایان می‌شود. همچنین در رفتارهای مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان مانند تبلیغات خلاف واقع یا کم‌فروشی [۱۶]، زیان دیده در لحظه، متوجه بزه‌دیدگی خود نمی‌شود، بلکه مصرف‌کننده و متعاقباً اقتصاد کشور در طول زمان از بزه‌دیدگی خود آگاه می‌شوند یا حتی ممکن است به‌هیچ‌وجه این آگاهی حاصل نشود. به‌علاوه، آثار ممکن است ارتباط مستقیمی با جرم ارتكابی نداشته باشد. مثلاً کشور ثروتمندی که با جرایم مالی و اقتصادی در بخش دولتی و خصوصی روبه‌رو است به‌مرور زمان دچار فساد، بحران و فقر می‌شود، فساد همه‌ارکان جامعه از جمله دولت را فرا می‌گیرد، قدرت خرید مردم کم می‌شود، و مشکلات بهداشتی رواج می‌یابد [۲۲]؛ اما نباید این موضوع را از ذهن دور کرد که همه این رفتارها از این وصف برخوردار نیستند و گاه ماهیت رفتار و در کنار آن متعلق جرم، به‌گونه‌ای است که آثار، با فاصله کم یا بدون فاصله، به منصف ظهور و بروز می‌رسند. عدم نظارت در تولید یا استفاده از مواد و تجهیزات بیمارستانی، ممکن است به‌سرعت آثار زیانباری به‌بار آورد. در شانزدهم اسفند ۱۳۹۳، خبری در مورد داروی چشمی اوستین^۱ که در چند مرکز چشم‌پزشکی برای پانزده بیمار استفاده شده بود و برای بیماران عفونت چشمی به‌همراه داشت منتشر شد و پس از بازتاب‌های خبری آن، مدیرکل نظارت بر درمان وزارت

بهداشت تأیید کرد که پانزده بیمار چشمی، در سه مرکز از مراکز درمانی تهران و کرج به علت تهیه و استفاده از داروی قاچاق و تقلبی توسط این مراکز، بعد از تزریق داروی اوستین دچار نابینایی از یک یا دو چشم شدند و در مجموع بیست و یک چشم این بیماران کور شد [۲۸].

عدم ایجاد احساس ترس و ناامنی در میان قربانیان

رفتارهای مورد اشاره به گونه ای صورت می پذیرند که ترس و ناامنی در میان اشخاص جامعه به وجود نمی آورند. علت این امر را می توان در همان غیرمحسوس و غیرلموس بودن آثار این رفتارها و آئی نبودن تأثیر این رفتارها در اکثر موارد، جست و جو کرد. این رفتارها از آنجا که همراه با خشونت و زور نیستند، نوعاً سبب ایجاد ترس و نگرانی و احساس ناامنی در بین شهروندان نمی شوند. از این رو، انعکاس اجتماعی این رفتارها نسبت به جرایم خشونت آمیز و همراه با زور به دلیل پایین بودن سطح رؤیت پذیری و بالتبع گزارش دهی کمتر است و همین امر سبب می شود افکار عمومی حساسیت چندانی در برابر آن نداشته باشند [۱۵]. برای مثال افرادی که در نواحی شهری در زیر امواج الکترومغناطیسی ناشی از دکل های فشار قوی برق گذران عمر می کنند، از خطر این امواج برای سلامت و کیفیت زندگی خود آگاهی ندارند. اگرچه ممکن است جمعی از آنها به این وضعیت و پیامدهای آن آگاهی داشته باشند، با بی توجهی، به همان نحو و در همان مناطق ادامه حیات می دهند و جمعی نیز با وجود آگاهی و توجه، به سبب پاره ای دیگر از عوامل از جمله اجبارهای ناشی از عوامل اقتصادی، ناچار به زندگی در این مناطق اند.

وسیله ارتکاب رفتارهای منتهی به مخاطرات گسترده اجتماعی

در خصوص ارتکاب برخی افعال یا ترک افعال مجرمانه، قانونگذاران، استفاده از وسیله ای خاص را ملاک و شرط لازم برای تحقق بخشی از رکن مادی در نظر گرفته اند؛ به گونه ای که استفاده از آن وسیله خاص، موضوعیت داشته و بدون وجود و بهره گیری از آن وسیله، رفتار ارتكابی از وصف مجرمانه برخوردار نیست. در خصوص رفتارهای موضوع بحث، به دلیل گسترده بودن رفتارهایی که منشأ صدمات گسترده می شود [۲۵]، نمی توان استفاده از وسیله ای خاص را ملاک تکمیل بخشی از رکن مادی در نظر گرفت. از این رو باید خاطر نشان ساخت استفاده از وسیله ای خاص در راستای جرم انگاری این رفتارها، موضوعیت ندارد و از آنجا که ارتکاب این رفتارها به طرق گوناگون، ممکن است صورت پذیرد و در عین حال منشأ صدمات گسترده و مختلفی شود، اساساً نمی توان تحقق و تکمیل رکن مادی را، به استفاده از وسیله ای معین منوط کرد. بسیاری از این رفتارها، با توجه به شرایط اجتماعی موجود در زمان خود واقع می شوند و شرایط نیز روز به روز در حال دگرگونی است و به تبع آن، استفاده از وسایل و تجهیزات و بسیاری

امکانات دیگر ممکن است در بروز این رفتارها تأثیر داشته باشد. امروزه بسیاری از جرایم به‌صورت سایبری رخ می‌دهد؛ سخن از آن است که غالب جرایم آینده با دگرگونی در شکل و با استفاده از رایانه و اینترنت رخ می‌دهد [۱۰]؛ ضمن آنکه محدود کردن این رفتارها از طریق مشخص کردن وسایلی خاص و معین به‌عنوان وسیله ارتکاب این رفتارها، با روح و فلسفه جرم‌انگاری در مورد این رفتارها سازش ندارد.

نتیجه‌گیری

جرم تنها بخشی از رفتارهایی است که عناصر مؤثر در نظم عمومی و معیارهای همزیستی مسالمت‌آمیز را به چالش و مخاطره می‌افکند. از آنجا که جرم از این جهت مفهومی محدود و مضیق در شمار می‌آید، توجه به آسیب‌های اجتماعی گسترده که منشأ خساراتی به‌مراتب وسیع‌تر، کلان‌تر و جدی‌تر از جرایم متعارف و کلاسیک است، شایسته تحقیق و تدقیق بیشتر است و به‌واسطه این تغییر احتمالی در مفهوم جرم، موضوعات مورد مطالعه در جرم‌شناسی نیز تبعاً و طبیعتاً باید دستخوش دگرگونی شود. موارد مرقوم‌شده از اعم و اهم نظریه‌های مطرح‌شده توسط زیملوگ‌ها در مکتب زیملوژی محسوب می‌شود. اما با توجه به آنچه در این مکتب بیان شده و با عنایت به معیارهایی که از جرایم سنتی در اذهان متصور است، این تحقیق را نتیجه بر آن استوار است که مخاطرات و آسیب‌های گسترده اجتماعی به‌موجب رفتارهایی به منصفه ظهور و بروز می‌رسد که در برخی خصایص و اوصاف جرم‌شناختی با سایر رفتارهایی که به عمل مجرمانه ختم می‌شوند متفاوت و از آنها متمایز است. نخست اینکه این رفتارها اکثراً و غالباً توسط اشخاص حقوقی چه از نوع اشخاص حقوقی عمومی و چه از نوع اشخاص حقوقی خصوصی بروز پیدا می‌کند. دوم اینکه قربانیان این رفتارها ضرورتاً یک شخص معین و مشخص نیست، بلکه جمعی از اشخاص آسیب می‌بینند. گاه بعضی از این رفتارها مانند اقدامات منجر به آلودگی محیط زیست، نه فقط آینده اشخاص، بلکه اشخاص آینده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و امکانات زیستن را برای ایشان به مخاطره می‌اندازد. سوم اینکه، در بسیاری از این موارد، آسیب‌ها و مخاطرات ایجادشده، نامحسوس است و با وجود وسعت و شدت، ترس و نگرانی وسیعی را در سطح جامعه پدید نمی‌آورد. پنهانی بودن رفتار مرتکبان نیز می‌تواند مزید بر علت باشد برای عدم ایجاد نگرانی و ترس. باید خاطر نشان کرد که از دیگر ابعاد جرم‌شناختی بایسته بررسی و تحقیق، توجه به ماهیت جرم‌شناختی مرتکبان و قربانیان این رفتارهاست که می‌تواند در کنار شناسایی ماهیت جرم‌شناختی رفتارها، تبیین‌کننده این مهم باشد که در مکتب زیملوژی چه رفتارها، آسیب‌ها و مخاطراتی از جانب چه اشخاصی متوجه

کدام یک از ارزش‌ها و حقوق است و متعلقان زندگی اجتماعی را از چه جهاتی دچار چالش و مخاطره می‌کند.

منابع

- [۱]. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، چاپ شانزدهم، جلد نخست، نشر میزان.
- [۲]. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولوک، برنار (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۳]. اشتیاق، وحید (۱۳۸۶)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، رساله دکتری، مدرسه عالی شهید مطهری.
- [۴]. امامی، محمد؛ استوار سنگری، کوروش (۱۳۸۸)، حقوق اداری، چاپ هفتم، انتشارات میزان.
- [۵]. حسنی، محمدحسن (۱۳۷۴)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهیدبهشتی.
- [۶]. شمس ناتری، محمدابراهیم و دیگران (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، جلد اول، نشر میزان.
- [۷]. صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۳)، مطالعه جرم‌شناختی جرایم اشخاص حقوقی - حقوق خصوصی؛ از علت‌شناسی تا پیشگیری، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
- [۸]. صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات طرح نو.
- [۹]. صفار، محمدجواد (۱۳۹۰)، شخصیت حقوقی، چاپ اول، انتشارات بهنامی.
- [۱۰]. عبدالفتاح، عزت (۱۳۷۷)، آینده جرم‌شناسی و جرم‌شناسی آینده، ترجمه و توضیح: اسماعیل رحیمی‌نژاد، نامه مفید، شماره ۱۴.
- [۱۱]. فرج‌اللهی، رضا (۱۳۸۹)، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری "مطالعه تأثیر داده‌های جرم‌شناسی بر تحولات مسئولیت کیفری"، چاپ اول، نشر میزان.
- [۱۲]. فرج‌اللهی، رضا (۱۳۸۸)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ اول، نشر میزان.
- [۱۳]. گسن، رمون (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)، ترجمه شهرام ابراهیمی، چاپ دوم نشر میزان.
- [۱۴]. مجموعه مقالات اولین همایش ملی مخاطرات و حقوق، (۱۳۹۴)، چاپ اول، ناشر: انجمن مخاطره‌شناسی ایران www.ihsa.ir

- [۱۵]. منتظری‌المشیری، علی (۱۳۸۵)، بررسی جرایم تقلب در مواد غذایی (خوردنی و آشامیدنی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم.
- [۱۶]. میت ترنس دی و دیگران (۱۳۹۲)، نیمرخ‌های جنایی، مترجمین: علی نجفی توانا و ایوب میلیکی، چاپ اول، انتشارات آموزش و سنجش .
- [۱۷]. میرسعیدی، سیدمنصور (۱۳۹۰)، مسئولیت کیفری، چاپ سوم، جلد اول، نشر میزان.
- [۱۸]. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه اشخاص، چاپ یازدهم، نشر میزان.
- [۱۹]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰)، از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی‌شناسی، مجله تحقیقات حقوقی (یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ضمیمه شماره ۵۶.
- [۲۰]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۰)، بزهکاری و شرایط اقتصادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹.
- [۲۱]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.
- [۲۲]. نوربها، رضا (۱۳۸۴)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، انتشارات گنج دانش.
- [۲۳]. ون‌هام، فرانسواز (۱۳۹۲)، آسیب اجتماعی‌شناسی؛ رشته جدید، توسعه قلمرو جرم‌شناسی؟ برگردان: سید حسین حسینی و اقبال محمدی، در: دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی کتاب دوم)، چاپ نخست، نشر میزان .
- [24]. Clinard, marshal, (1983), Corporate ethics and crime: the role of middle management Beverly hills ca: sage publications
- [25]. Hillyard, Paddy and Steve tombs; (2008), " Beyond criminology?" , in: Criminal obsessions: Why harm matters more than crime, Centre for Crime and Justice Studies, kings college London, Second edition crime
- [26]. Radvich, stajank and others,(2010), liability of legal person for criminal offences, vol.7, no.9
- [27]. www.asriran.com/fa/news/407474
- [28]. www.imna.ir/fa/doc/report/18337 28